

نقد کتاب «آفرینش در قرآن: بررسی هرمنوتیکی تفاسیر قدیم و جدید»

حوریه شجاعی باغینی*

چکیده

تفسیر موضوعی آیات قرآن با تمرکز بر تعداد محدودی از آیات مرتبط با یک موضوع، تفسیری است که به ایجاد تصور جامع و فهمی عمیق نسبت به موضوعات قرآنی کمک می‌کند. نویسنده کتاب «آفرینش در قرآن» با استفاده از الگوی روشی تفسیر در مکتب ادبی به مطالعه و بررسی موضوعی آیات مربوطه آفرینش پرداخته است. او با بررسی و مقایسه تفاسیر سنتی و مدرن در مواجهه با نظریه‌های کیهان‌شناسی و برای رسیدن به فهمی برخاسته از اقتضائات دنیای جدید و نیز گونه‌ای واکنش مؤمنانه به موفقیت‌های علمی، روش مطالعه هرمنوتیکی مؤلف محور در برابر متن محور را بدون پیروی از مکتب خاصی به کار گرفته است. این اثر، پژوهشی است که افقی جدید در مباحث تفسیری می‌گشاید؛ از این رو بررسی همراه با دیدگاهی نقادانه می‌تواند به اعتلای آن یاری رساند. بر این اساس، در مقاله حاضر پس از معرفی کلی اثر و ارائه خلاصه‌ای از محتوای آن، علاوه بر تحلیل روش مؤلف به برخی از ویژگی‌های ساختاری و محتوایی، همچنین به جنبه‌های مثبت و منفی آن اشاره و برای رفع کاستی پیشنهاداتی ارائه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: نقد کتاب، آیات آفرینش، مکتب ادبی تفسیر، هرمنوتیک و قرآن.

۱. مقدمه

در میان شیوه‌های مختلف تفسیر قرآن، روش ترتیبی، سابقه‌ای دیرپای در تاریخ تفسیر دارد. در این روش، مفسر به منظور درک صحیح پیام آیه و فهم کامل مراد خداوند، به بیان معانی و مفاهیم تفصیلی آیات قرآن یکی پس از دیگری بر اساس ترتیب کنونی مصحف به

* دکترای فلسفه و کلام اسلامی، مربی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، shojaee@ricac.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۵/۲۰

صورت پراکنده و بی‌ارتباط با یکدیگر می‌پردازد. این روش در عین ارزش‌مندی و ضرورت، با توجه به پراکندگی موضوعی آیات، برای ارائه دیدگاه کلی و استخراج نظریه‌های قرآن نسبت به موضوع‌های مورد ابتلاء بشر و مسائل متعدد زندگی کافی نیست و نیاز به مکمل دارد.

روش تکمیل‌کننده تفسیر ترتیبی، شیوه تفسیر موضوعی است که در عصر حاضر با گرایش به نگاه تخصصی به مسائل و موضوعات در بیشتر علوم برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های اساسی و نیازهای جدید، به آن روی آورده شده است. در این نوع تفسیر، آیه‌های مربوط به یک موضوع دسته‌بندی و به یکدیگر مرتبط و با دیدی عمیق و همه‌جانبه، تجزیه و تحلیل می‌شوند (داوودی، ۱۳۸۴ شماره ۹۶).

در این راستا، آفرینش در قرآن: بررسی هرمنوتیکی تفاسیر قدیم و جدید، اثری پژوهشی است که با عنایت به تفاسیر ترتیبی قدیم و جدید، به مطالعه و بررسی موضوعی آیات مربوط به آفرینش می‌پردازد.

مؤلف در بخشی از کتاب که موضوع محور است از روش توصیفی بهره برده است و درصدد پاسخ‌گویی به این سؤالات است که با فرض وجود گزاره‌های علمی ناظر به پیدایش جهان طبیعت در قرآن، مفسران دوره قدیم چگونه آنها را تفسیر کرده‌اند؟ و سؤال دیگر آنکه ظهور نظریه‌های جدید از قرن هفدهم در سایه شیوه‌های نوین تحقیق در علوم تجربی درباره آفرینش جهان طبیعت، چه تأثیری بر نظر مفسران در دوره جدید داشته است؟ مؤلف بعد از تعیین حدود بحث، خواننده را گام‌به‌گام پیش می‌برد و در چهار فصل اول نتیجه بررسی‌های خود را برای پاسخ به این دو سؤال ارائه می‌دهد.

سپس در بخش دیگر که مسأله محور است از روش تحلیلی استفاده نموده است. ابتدا فرضیه‌ای را در نظر می‌گیرد و به دلیل آنکه در بررسی مدارک مورد نظر این پژوهش، شاهدهی بر تأیید فرضیه نمی‌یابد، راه حل مطالعه به روش هرمنوتیکی را برای یافتن معنای متن قرآن در گزارش آفرینش پیشنهاد می‌دهد. همچنین می‌کوشد از این طریق پاسخ سؤالات ذیل را ارائه نماید:

معنای به‌دست آمده را چگونه می‌توان تفسیر کرد؟ رابطه و نسبت تفسیری این روش با تفسیرهای دیگر چگونه است؟ و در نهایت مراد اصلی قرآن در بیان آیات مربوط به پدیده‌های طبیعی را چگونه می‌توان فهمید؟

مؤلف آفرینش در قرآن، در مقدمه یادآور می‌شود ایده این تحقیق را اولین بار از نصر حامد ابوزید مصری‌الأصل، استاد سابق دانشگاه لایدن هلند فرا گرفته است. وی همچون ابوزید، از مبانی «مکتب ادبی در تفسیر قرآن» استفاده می‌نماید و به صورت عملی امکان به کارگیری روش این مکتب را نشان می‌دهد. ابوزید در کتاب *مفهوم النص*، به بررسی علوم قرآنی و مبانی فهم و تفسیر قرآن، بر اساس قرائتی انتقادی از کتاب *الاتقان فی علوم القرآن* از جلال الدین سیوطی، با تکیه بر مکتب مذکور و اندیشه تأویلی هرمنوتیکی می‌پردازد و درصدد طرح روش صحیح فهم و تفسیر قرآن، مطابق با نیازهای دوران جدید و در عین حال سازگار با قواعد زبانی کلام الهی است (ابوزید، ۱۳۸۰، ص. ۲۲ و ۵۰۴).

۲. معرفی کلی اثر

کتاب *آفرینش در قرآن: بررسی هرمنوتیکی تفاسیر قدیم و جدید*، تألیف سعید عدالت‌نژاد، در ۲۱۲ صفحه در قطع رقعی با شمارگان ۲۰۰۰ نسخه و جلد مقوایی از سوی انتشارات موسسه پژوهشی نگاه معاصر نخستین بار در سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده و شامل مقدمه، شش فصل و نتیجه است.

فصل نخست اثر حاضر با عنوان کلیات می‌کوشد تا به این پرسش پاسخ دهد که به‌طور کلی سنت تفسیر قرآن در فرهنگ و تمدن اسلامی و به‌طور خاص رویکرد علمی در تفسیر چگونه پیدا شده است و با معرفی روش تفسیر در مکتب ادبی به‌طور اخص آن را به عنوان الگوی روشی این مطالعه برمی‌گزیند و آیات مربوط به آفرینش را مطابق با الگوی این مکتب انتخاب، مرتب و بررسی می‌کند. در این شیوه با تکیه بر نگاه تاریخی به قرآن بر غیر ترتیبی بودن مصحف کنونی و غیر مبوب بودن آن تأکید دارد؛ بنابراین در فهم هر موضوعی باید مجموعه آیاتی که در همه سوره‌ها وجود دارد، لحاظ شود و با ترتیبی جدید کنار هم گذاشته شوند. برای چنین کاری باید از مکی و مدنی بودن آیه، قبل و بعد آیات، فاصله زمانی آیات مربوط به یک موضوع، وضع و حالی که هر آیه در آن نازل شده است آگاهی داشت و ترتیب جدیدی غیر از ترتیبی که در مصحف کنونی هست، برای هر موضوعی در قرآن بنا کرد. ترتیب کنونی قرآن به وحدت موضوع و به ترتیب زمانی ملتزم نیست و حتی سخن درباره یک موضوع را در سیاق‌های متعدد با عبارت‌های مشابه به کار می‌برد. در این روش، به معنای لغت و ساختار جمله به صورت روش مند توجه می‌شود. مراد از روش مند آن است که دلالت لفظ بر معنایی خاص با توجه به پیدایش معنا در آن بافت و سیاق خاص

تعیین می‌شود و نه به صورت مطلق، از این رو مفسر به تغییر تدریجی معانی مختلف یک واژه در طول زمان توجه کامل دارد. مفسر از نگاه مکتب ادبی باید به عوامل فرهنگی تمدنی تأثیرگذار و به ویژه به نهضت سیاسی فرهنگی (قرن سوم) که با ترجمه آثار یونانی آغاز شد و پس از این میراث تمدنی بزرگی را پدید آورد و موجب شد لغت و زبان عربی تحولات فراوانی به خود بیند، توجه کند. مکتب ادبی در سایه علم سمانتیک یا معناشناسی معتقد است بدون در نظر گرفتن فاصله زمانی میان دو معنا یا تغییرات معنایی کلمه امکان دسترسی به معنای اصلی کلمه، متن، و نیز نیت مؤلف و از آن جمله قرآن وجود ندارد. اصل اول و مهم مکتب ادبی، یافتن معنای الفاظ و جملات قرآن در همان فضایی است که صادر شده است؛ لذا به فرهنگ لغت و متونی نیاز دارد که تا آنجا که ممکن است به عصر نزول نزدیک باشند. بهترین منبعی که راهنمای دلالت‌کننده بر معنای دوره نزول قرآن است، همان میراث برجای مانده از دوره قبل از اسلام یعنی اشعار شعرای مشهور و منسوب به دوره جاهلی است. مفسر باید پس از آن که معنای لفظ را فهمید به نوع استعمال و کاربرد آن در قرآن نیز توجه کند. مکتب ادبی متون دینی را متونی زبانی و بشری می‌داند و چون زبان نشانه است و در خلأ شکل نمی‌گیرد، نمی‌تواند تاریخی نباشد. یعنی همه مفاهیم و معانی متن، زمان، محل و بافت تولد دارند. اگر متون دینی زبانی نباشند و آنها قدسی مطلق تلقی شوند در واقع جمله های آن متن، دیگر نشانه برای مخاطب نیستند بلکه بر معنای خاصی دلالت می‌کنند که با مکانیسم خاصی قابل فهم اند و کسان خاصی هم آنها را می‌فهمند و از دسترس فهم عمومی خارج می‌شوند و چنین تلقی از قرآن که هدایت و روشنگری عمومی است، نمی‌تواند سازگار باشد. در بخش پایانی این فصل، به معرفی مفسران مورد نظر در این مطالعه می‌پردازد. این مفسران با توجه به ملاک‌هایی که در ضمن معرفی آنان بیان می‌شود انتخاب شده‌اند: دو مفسر از عالم قدیم (پیش از دوره مدرن) یعنی ابوجعفر محمدبن جریر طبری (۳۱۰-۲۲۴) که تفسیر او به نام *جامع البیان عن تأویل آی القرآن* از اولین تفسیرهای مکتوب عالم اسلام است و از اقوال فراوان تفسیری پیش از خود استفاده کرده است و ابو عبدالله محمدبن عمر بن حسین بکری طبرستانی رازی معروف به فخرالدین رازی (۶۰۶-۵۴۳) که تفسیرش با عنوان *التفسیر الکبیر یا مفاتیح الغیب* از مشهورترین تفاسیر متعلق به گروه مفسران عقل‌گراست؛ دو مفسر از عالم جدید یعنی طنطاوی بن جوهری (۱۳۵۸-۱۲۷۸) از اولین کسانی که قرآن را بر اساس علم جدید تفسیر می‌کند و تفسیر *الجواهر فی تفسیر القرآن* از اوست و سید محمدحسین طباطبایی (۱۴۰۲-۱۳۲۱) آخرین مفسری که

معرفی می‌شود و نام تفسیرش *المیزان فی تفسیر القرآن* است (عدالت‌نژاد، ۱۳۹۲، ص. ۱۱-۳۶).

آفرینش جهان از دیدگاه قرآن عنوان فصل دوم است. در این فصل، روش انتخاب آیات بیان می‌شود. از بین تمام آیات در باب پدیده‌های طبیعی تنها به آیات مربوط به آفرینش جهان، شامل خلق آسمان‌ها و زمین در شش روز و ارتباط آنها با عرش و کرسی پرداخته می‌شود که با دو تخصیص، قلمرو بحث در ۳۵ آیه محدود می‌شود. این آیات به لحاظ محتوایی در سه طبقه «آفرینش در قرآن»، «نسبت آفرینش آسمان‌ها با عرش و کرسی» و «آفرینش آسمان و زمین» فهرست می‌شوند. هر طبقه با توجه به الگویی که در فصل قبل معرفی شد با رویکرد تاریخی به ترتیب احتمالی نزول آنها، بدون اتکا به تفسیری خاص دسته‌بندی و به تفصیل در سه بخش پایانی این فصل آگاهی‌ای از محتوای آنان ارائه می‌شود. مبنای یافتن ترتیب آیات، مقدمه کتاب *المبانی فی نظم المعانی*، قدیم‌ترین منبع از نویسندگانی مجهول‌الهویه در ابتدای قرن پنجم هجری است که تقویمی از تاریخ نزول آیات و سوره‌های قرآن در اختیار قرار می‌دهد. مؤلف ترتیب بیان‌شده را پیشنهادی، ظنی و بر اساس قرائن موجود می‌داند که ممکن است با یافتن شواهد دیگر تغییر یابد. منطق و سیر تاریخی به دست آمده در ترتیب آیات مذکور در فصل‌های سوم، چهارم و ششم حفظ و استفاده شده است. چگونگی مواجهه مفسران در دوره‌های مختلف با مجموعه اطلاعات به دست آمده از آیات سه بخش پایانی این فصل، سوالی است که مؤلف درصدد بیان آن در دو فصل آتی است (عدالت‌نژاد، ۱۳۹۲، ص. ۳۷-۴۶).

فصل سوم کتاب، تفسیر آفرینش در دوره قدیم نام دارد. در این فصل آیات آفرینش از نظر طبری در دو بخش و از نظر فخرالدین رازی در سه بخش بررسی شده است. ضمن ارائه گزارش، به رویکرد تفسیری دو مفسر قدیم نیز توجه می‌شود. تفسیر طبری رویکرد روایی و تفسیر رازی رویکرد عقل‌گرایانه دارد (عدالت‌نژاد، ۱۳۹۲، ص. ۴۷-۸۲).

فصل چهارم، نگاهی دارد به تفسیر آفرینش در دوره مدرن؛ در این فصل سعی می‌شود با بررسی آراء دو مفسر این دوره هرکدام در دو بخش، میزان تأثیر آشنایی علمای دینی از نظریه‌ها و پیشرفت‌های فوق‌العاده کیهان‌شناسی علمی در تفسیر آیات آفرینش نشان داده شود. همچنین به چگونگی مواجهه آنان با سنت تفسیری سابق بر خود، در مسأله آفرینش نیز دقت می‌شود (عدالت‌نژاد، ۱۳۹۲، ص. ۸۳-۱۲۷).

داستان آفرینش در فرهنگ مردم پیش از قرآن موضوع فصل پنجم است و مؤلف در ۱۵ صفحه به این موضوع می‌پردازد. مؤلف با مروری اجمالی درباره‌ی تصویر آفرینش در فرهنگ مردم قبل از قرآن، از طریق اسطوره‌های سومریان، بابلیان، ایرانیان و عبریان دیدگاه‌های رایج را بیان می‌کند و نیز وجود اسطوره‌های آفرینش را با تغییراتی در شبه جزیره عربستان قبل از ظهور اسلام توضیح می‌دهد و قصد نتیجه‌گیری این مطلب را دارد که در درون این داستان در فرهنگ‌های مختلف تغییراتی ایجاد شده است، ضمن آن‌که وجه مشترک تمام روایات را نیز متذکر می‌شود (عدالت‌نژاد، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۹-۱۴۳).

صفحات ۱۴۵ تا ۱۸۰ کتاب حاضر، مربوط به فصل ششم با عنوان مطالعه هرمنوتیکی است. ابتدا نکاتی در مورد معرفی و پیش‌فرض‌های این روش بیان شده، سپس این روش مطالعه با هدف دستیابی به معنای اصلی متن با تأکید بر نیت نویسنده و نسبت تفسیرهای مختلف با یکدیگر، به‌مثابه راه‌حل دیگری برای تفسیر آیات ناظر به پدیده‌های طبیعی به‌ویژه آفرینش جهان معرفی شده است. تفسیری که بر فرض قبول آن، مسلمان معتقد و مؤمن به قرآن بتواند تناقض‌های ذهنی خود را با داده‌های جدید علوم حل کند. نگرش کلی در این مطالعه، روش هرمنوتیکی مؤلف‌محور در برابر متن‌محور بدون پیروی از مکتب خاصی است. مؤلف در یازده صفحه پایانی اثر، به نتیجه‌گیری از مباحث کتاب می‌پردازد. ابتدا ارزیابی اجمالی از کار مفسران دو دوره قدیم و جدید ارائه می‌دهد. طبری به عنوان اولین گردآورنده روایات تفسیری، تلاش نمود تمام اطلاعات موجود در دوران نزول قرآن، صحابه و تابعین را تا ابتدای قرن ۴، درباره‌ی داستان آفرینش جمع‌آوری و به عرصه تفسیر وارد نماید. سه قرن بعد، در برابر این مطالب منقول طبری، رازی از طبقه عقل‌گرا به نقد آنها پرداخت و کوشید چنین مطالبی را زیر عنوان «اسرائیلیات» به معنای منفی کلمه وارد کند. وی با رویکردی دفاعی-کلامی، در مقابل مشکلاتی که در تفسیر آیات پیدا می‌شد، در موارد بسیاری اطلاعات خود را ناقص دانست و آنها را به علم الهی احاله کرد و هدف از یادآوری داستان آفرینش و پدیده‌های طبیعی در قرآن را تقویت ایمان اعلام نمود. او همچنین سعی نمود آیات قرآن را محکوم نظریه بطلمیوسی در کیهان‌شناسی نکند و بر دیدگاه عقلی-کلامی خود که انتقادی نیز بود پافشاری کند. با شروع دوره جدید و پیدایش نظریه‌های علمی نو، دو گونه واکنش بارز از سوی مفسران مسلمان در برابر این نظریه‌ها پدیدار شد. در واکنش نخست، مفسر به نمایندگی طباطبایی، با وجود زندگی در دوره مدرن برای فهم قرآن از دانش تجربی و کیهان‌شناسی علمی استفاده زیادی نکرد و به همان روش

ستی رایج در حوزه‌های علمیه اکتفا نمود. او برای فهم آیات به پیام‌های اصلی قرآن توجه و بر داده‌های قرآنی که از ظاهر الفاظ برداشت می‌شد، تأکید کرد. با روش وی هیچ تفاوتی نمی‌کند که مفسر در چه دوره‌ای زندگی کند. شاید تأثیر دورهٔ مدرن بر او در این اندازه خلاصه شود که با منقولات طبری نمی‌توان تفسیر موجهی برای مخاطبان امروزی قرآن نوشت؛ بنابراین به آنها بی‌اعتنا شد. در واکنش دوم به نمایندگی طنطاوی، مفسر با دغدغهٔ هماهنگی علم و دین در صدد سازگاری آیات آفرینش با آخرین نظریه‌های کیهان‌شناسی برمی‌آمد و به گونه‌ای تکلف‌آمیز می‌کوشد آنها را بر یکدیگر تطبیق کند. طنطاوی نیز متوجه بود که باید به منقولات طبری بی‌اعتنا باشد. حاصل کار مفسران دورهٔ مدرن گونه‌ای نگاه به دین به نظر می‌رسد که در صدد است در مناسبات علمی به هر قیمت دین را در صدر بنشانند، فارغ از این که این نگاه سرانجام به نفع دین و دینداران است یا خیر (عدالت‌نژاد، ۱۳۹۲، ص. ۱۸۱-۱۹۱).

مؤلف، پیشنهاد به کارگیری روش مطالعه هرمنوتیکی در تفسیر و فهم آیات آفرینش را برخاسته از اقتضائات دنیای جدید و نیز گونه‌ای واکنش مؤمنانه به موفقیت‌های علمی می‌داند.

۳. بررسی شکلی

۱.۳ امتیازها

عنوان کتاب گویا و کیفیت چاپ این اثر از جهت حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی و صحافی مناسب بوده و قواعد عمومی نگارش و ویرایش در کل اثر به غیر از چند مورد جزئی به‌خوبی رعایت گردیده است. وجود مؤلفه‌های صوری مانند مقدمه، فهرست مطالب، فهرست منابع و نمایه، از نقاط قوت این مجموعه است. رعایت احترام و بی‌طرفی نسبت به عقاید دیگران در کل اثر به‌خوبی بارز است.

تنظیم نمایه کتاب، به گونهٔ نمایه موضوعی، از نقاط قوت این پژوهش است. در این نمایه سازی، محقق با تحلیل موضوعی، واژه یا عبارتی را در قالب سرعنوان قرار داده و ریزموضوعات مرتبط با حوزهٔ سرعنوان را در ذیل آن جای می‌دهد. این نمایه به خواننده و کاربران این امکان را می‌دهد که موضوع مورد نظر خود را به صورت تخصصی بازمیابی نمایند. برای مثال، ذیل سرعنوان آفرینش، ریزموضوعاتی چون آب، آسمان، انسان، ترتیب اول در عهد عتیق و قرار گرفته است. یا در مثال دیگر اعلامی مانند ابن عباس، طباطبایی، طبری، طنطاوی و رازی سرعنوان هستند و ذیل هر کدام موضوعاتی است که به آن

پرداخته اند؛ به این صورت به کاربر این اجازه داده می‌شود تا با توجه به موضوع خود در کمترین زمان به مطلب مورد نظرش از دیدگاه هر کدام از افراد مذکور راهنمایی شود.

۲.۳ کاستی‌ها

جلد اثر دارای طرحی با سه خط منحنی به رنگ‌های قرمز، آبی و سبز در زمینه سیاه با پس‌زمینه کتیبه قرآنی است. این طرح در ذیل عنوان کتاب آمده است که تناسب واضحی با عنوان آفرینش ندارد و فقط از پس زمینه آن می‌توان برداشت کرد که موضوع درباره قرآن است. عنوان اثر در دو خط به نگارش درآمده است که بخش اول آن (آفرینش در قرآن) به رنگ سفید و با فونت بزرگ‌تر و بخش دوم آن (بررسی هرمنوتیکی تفاسیر قدیم و جدید) با رنگ آبی با نوع خط متفاوت از بخش اول و فونت کوچک‌تر است. در پایین طرح جلد، نام نویسنده با رنگ سفید درج شده است. پشت جلد اثر، فاقد هرگونه متن و تصویر است و جز لوگوی انتشارات و مشخصات آن متن دیگری وجود ندارد. عدم معرفی و بیان هدف کتاب در پشت جلد را می‌توان از کاستی‌های آن برشمرد.

در صفحه ۲۰ عنوان دو کتاب برای مثال نام برده شده، ولی اطلاعات کتاب شناختی آنها نوشته نشده است.

در صفحه ۳۴ در معرفی طنطاوی، ابتدا تاریخ ولادت قمری و میلادی بعد تاریخ وفات بدون ذکر قمری یا میلادی بودن آن، به این شکل (۱۳۵۸/۱۹۴۰ - ۱۲۷۸/۱۸۶۲) آمده است و در صفحه ۳۵ در معرفی طباطبایی ابتدا تاریخ ولادت و وفات شمسی و بعد قمری به این شکل (۱۴۰۲-۱۳۲۱ ه.ق/۱۳۶۰-۱۲۸۱ ش) آمده است که بهتر است هماهنگ شود.

۴. بررسی محتوایی

۱.۴ امتیازها

از ویژگی‌های این کتاب می‌توان به قدرت و تسلط نویسنده در بیان مطالب ارائه شده به زبانی واضح و روان به‌ویژه بخش هرمنوتیک الهیاتی اشاره نمود؛ چراکه علیرغم معانی و اصطلاحات پیچیده در روش هرمنوتیک، مؤلف توانسته مخاطب را به زبانی ساده با این مفاهیم آشنا نماید و این ادعا را می‌توان در مقایسه با متون مشابه همچون «نظریه‌ی تفسیر متن» (واعظی، ۱۳۹۰) و «درآمدی بر هرمنوتیک» (واعظی، ۱۳۸۷) به تأیید رساند.

همچنین استناد نویسنده به تحقیقات روزآمد از نقاط قوت این مجموعه است. درج زیرنویس‌ها، معادل‌های انگلیسی، اصطلاحات و نام‌ها و ترجمه جملات و آیات در انتهای هر صفحه درخور تقدیر است، به خصوص که آیات در تمام کتاب توسط خود مؤلف ترجمه شده است. معرفی کتاب یا مقالاتی برای مطالعه بیشتر مخاطب، در بسیاری از موضوعات به چشم می‌آید که از جامعیت علمی ایشان و آشنایی به تحقیقات روز حکایت دارد.

۲.۴ کاستی‌ها

در بررسی محتوایی اثر مذکور کاستی‌هایی به نظم منطقی و انسجام مطالب، هم در کل اثر و هم در درون هر فصل باز می‌گردد که تفصیل آن به شرح ذیل است:

۱.۲.۴ نظم منطقی و انسجام مطالب در کل اثر

از نظر رعایت نظم منطقی و انسجام بین فصل‌های کتاب، ساختار کتاب تا فصل چهارم از تسلسل بیشتری برخوردار است. از آن فصل به بعد اگرچه ارتباطی بین فصول وجود دارد اما گویی نویسنده فهم ضمنی آن را به عهده خواننده گذاشته است و چنانچه وی حوصله به خرج دهد و کتاب را به انتها برساند و در عین حال فردی تیزبین باشد، می‌تواند منطقی و استدلال پژوهش را از فحوای کل اثر دریابد و سیر پژوهش را در ذهن صورت بندی کند. در واقع حلقه وصل‌کننده فصل‌های پنجم و ششم به چهار فصل قبل واضح و روشن نیست و تا حدی به تسلسل مطالب خدشه وارد می‌کند، با این توضیح که مؤلف طی چهار فصل اول توانسته است به دو سؤال توصیفی تحقیق، پاسخ گوید و خواننده انتظار دارد ارزیابی اجمالی نویسنده از دو فصل سوم و چهارم مربوط به مفسران دو دوره قدیم و جدید را بداند (این ارزیابی در بخش آخر کتاب یعنی نتیجه‌گیری آورده شده است) و از آنجا در مواجهه با سؤالی دیگر آماده ورود به بحث پیشنهاد راه حل بشود، درحالی‌که بدون ارزیابی بحث‌های گذشته به فصل پنجم وارد شده و با تأکید بر پاره‌ای تحقیقات جدید باستان‌شناسی و اسطوره‌شناسی درصدد نشان دادن تفاوت دو تصویر از آفرینش قبل و بعد از ظهور اسلام برمی‌آید. ارائه اطلاعات مستند و مرتبط با موضوع درباره اسطوره‌ها به خصوص اسطوره آفرینش در شبه جزیره عربستان، مقدمه‌ای است جهت ایجاد انگیزه یا سؤال در ذهن خواننده که «پس مراد شارع از بیان اطلاعات عرفی درباره آفرینش در قرآن چیست؟» ولی این سؤال به وضوح بیان نمی‌شود، بنابراین تسلسل لازم نیز برقرار نمی‌گردد

و خواننده این فصل را بی ارتباط با قبل و بعد خود درمی یابد؛ به ویژه این که فصل ششم با سؤالی آغاز می شود که هنوز خواننده دغدغه یافتن آن را ندارد. البته درک این ارتباط در حین مطالعه فصل آخر حاصل می شود.

می توان سیر پژوهش کتاب را این گونه خلاصه و صورت بندی کرد:

- مفسران دوره قدیم و جدید کم و بیش مطابق دانش و چارچوب فکری روزگار خویش با رویکردی اعتقادی یا کلامی درصدد تفسیر متن قرآن و حل تناقض های ظاهری بین داده آیات برآمدند (نتیجه فصل های اول تا چهارم).
- بعضی از اطلاعات درباره داستان آفرینش در قرآن، با تغییراتی در منابع دیگر مانند کتاب های مقدس ادیان زرتشتی، یهودی و مسیحی و در ذهن و ضمیر عادی منطقه حجاز، شام، بابل و مصر وجود داشت (نتیجه فصل پنجم).
- پس مراد شارع از بیان اطلاعات عرفی درباره آفرینش در قرآن چیست؟ سؤالی که بهتر بود برای ایجاد تسلسل و نظم منطقی در آخر فصل پنجم یا ابتدای فصل ششم می آمد.
- فرضیه ای برای مراد شارع درباره آیات آفرینش در نظر گرفته می شود (فصل ششم صفحه ۱۵۷).
- مدارک مورد نظر این پژوهش بررسی شد (فصل های اول تا چهارم) و شواهدی برای تأیید فرضیه یافت نشد.
- روش تفسیری هرمنوتیک در مقابل روش سنتی تفسیر برای فهم مراد شارع و تأیید فرضیه پیشنهاد می شود (فصل ششم).
- با توجه به روش پیشنهادی، آیات مربوط به آفرینش مطالعه می شود و شواهدی برای تأیید فرضیه مورد نظر یافت می شود که در هیچ یک از تفسیرهای سابق به آنها توجه نشده بود (فصل ششم).

۲.۲.۴ نظم منطقی و انسجام مطالب در درون هر فصل

در بخش سوم از فصل اول، اساس تقدم و تأخر دوره زندگی مفسران برای معرفی آنان در این مطالعه، لحاظ شده، درحالی که در فصل چهارم مربوط به مفسران مدرن این مبنا رعایت نشده است؛ یعنی ابتدا به بررسی آراء طباطبایی و بعد به آراء طنطاوی می پردازد.

در بخش اول از فصل دوم پس از بیان روش انتخاب آیات آفرینش، ۳۵ آیه انتخاب و در سه طبقه فهرست می‌شوند و در سه بخش بعدی این فصل، آیات هر طبقه به ترتیب احتمالی نزول آنها بررسی می‌شوند. این صفحات، جزء مهم‌ترین صفحات کتاب به‌شمار می‌آیند؛ چراکه در جای‌جای کتاب ترتیب بر اساس این الگو در رجوع به آرای مفسران قدیم و جدید در فصل‌های سوم، چهارم و ششم یادآوری شده است، بنابراین رعایت این مدل در بخش‌های زیرمجموعه آن فصل‌ها، نظم منطقی در درون هر فصل را ترسیم می‌کند و این درحالی است که تبعیت بخش‌های این فصل بر اساس طبقه‌بندی اولیه رعایت نشده است. در فصل سوم در بیان آراء طبری تنها دو بخش مربوط به دو طبقه از آیات بررسی شده است و بخش مربوط به نسبت آفرینش آسمان‌ها با عرش و کرسی اشاره نشده است. در بیان نظرات فخرالدین رازی هر سه طبقه در سه بخش مجزا بررسی شده، اما ترتیب مذکور در فصل دوم رعایت نشده است. همچنین در فصل چهارم در بررسی آراء طباطبایی و طنطاوی فقط به دو بخش مربوط به دو طبقه از آیات اشاره شده است و بخش مربوط به آیات آفرینش آسمان و زمین مغفول مانده است. عدم رعایت الگوی طبقات سه‌گانه در بخش‌های زیرمجموعه فصل‌های سوم و چهارم باعث خلط بررسی آیات یک دسته در دسته دیگر شده است و با وجود تأکید فراوان بر رعایت ترتیب پیشنهادی نزول آیات در این مطالعه، ملاحظه می‌شود مؤلف نتوانسته ملتزم به رعایت ترتیب شود. برای مثال در بررسی آرای طبری آیات مربوط به طبقه «نسبت آفرینش آسمان‌ها با عرش و کرسی» ذیل طبقه «آفرینش» آورده شده و در بررسی آرای طباطبایی و طنطاوی آیات دسته «آفرینش آسمان و زمین» ذیل دسته «آفرینش» آورده شده است. البته در مورد طنطاوی این نکته لازم به ذکر است که از آیات طبقه «آفرینش آسمان و زمین» تنها آیه ۳۰ سوره انبیاء بررسی شده است؛ چراکه نویسنده در صفحه ۱۰۸، ضمن بیان روش تفسیری طنطاوی، به این نکته اشاره می‌کند که وی درباره بعضی آیات زیر عنوان «لطیفه» نکاتی را تفصیل می‌دهد، بنابراین تفسیر بسیاری از آیات وجود ندارد، ولی به صورت پراکنده در ذیل پاره‌ای از آیات همه مطالب خود را بیان کرده است، با این توضیح عدم بررسی تمام ۳۵ آیه مورد بحث در این مطالعه از نظر طنطاوی پذیرفتنی است، بنابراین در صفحه ۱۲۴ در مورد آیات مربوط به نسبت آسمان‌ها و زمین با عرش و کرسی، بدون ذکر آیات مکی از ابتدا به آیه مدنی یعنی آیه ۲۵۵ سوره بقره اشاره می‌کند.

یک ناهماهنگی در شیوه بیان ملاک انتخاب مفسران و روش تفسیری آنان در فصل اول، سوم و چهارم به چشم می‌آید که باعث شده نظم منطقی مطالب حفظ نشود. با این توضیح

که در بخش سوم از فصل اول، ملاک انتخاب مفسران مورد نظر در این مطالعه ضمن معرفی آنان اعلام شده، اما در مورد طباطبایی (صفحه ۳۵) به جای اعلام ملاک انتخاب، روش تفسیری ایشان بیان شده است و این در حالی است که در فصل سوم و چهارم که به بیان تفسیر آفرینش از نظر مفسران دو دوره می‌پردازد، قبل از شروع آراء مفسران مختصری از روش تفسیری آنان ذکر می‌کند، ولی در مورد طباطبایی (صفحه ۸۴) به جای بیان روش تفسیری ملاک انتخاب وی مشاهده می‌شود.

۳.۲.۴ موارد دیگر محتوایی

در صفحه ۳۹ تعداد آیات داخل در قلمرو بحث را ۳۵ آیه برمی‌شمارد، حال آنکه در پاورقی این صفحه، آدرس ۳۳ آیه فهرست شده است و در معرفی تفصیلی نیز با وجود تفاوت هایی با این پاورقی همین تعداد آیه ذکر می‌شود. این ناهماهنگی در تعداد آیات به دلیل اختلاف در محل قطع آیات در سوره فصلت است که مؤلف به آن توجه داشته اند، اما شایسته بود به خواننده نیز دقت به این نکته را توجه می‌دادند. همچنین در معرفی آیات یکسان عمل نشده است، هم از جهت مشخص نکردن مکی یا مدنی بودن تمام آیات و هم از جهت معرفی محتوای آیات؛ یعنی گاهی آیه با آدرس و معنا در متن آمده، گاهی فقط ترجمه آیه و آدرس در متن ذکر شده است و متن عربی آن در پاورقی و گاهی تنها آن بخش از آیه که اطلاع مهمی در بردارد بدون ذکر کل آیه یا ترجمه آن آمده است.

در صفحه ۱۷۸، صفت «فرهیخته» به معنی دانش‌آموخته به منزله یکی از صفات پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله برشمرده شده است و استفاده از این وصف با اعتقاد به امی بودن ایشان تناسبی ندارد.

در صفحه ۱۸۶، سه نکته ابتدایی زیر عنوان «نتایج مطالعه قرآن با روش هرمنوتیک» به نظر می‌رسد بیشتر از آن که نتیجه مطالعه با روش هرمنوتیک باشد، مربوط به مقدمات استفاده از این روش است و بهتر بود در فصل ششم گنجانده می‌شد.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یکی از بارزترین ویژگی‌های کتاب حاضر گشودن افقی نو برای علاقه‌مندان به مباحث تفسیری است. از نتایج ویژگی مذکور این است که با مطالعه این کتاب علاقه‌مندان می‌توانند از روش به کاررفته در آن، ایده گرفته و در پرتو دانش‌های جدید موضوعات فراوان قرآنی

را در زمینه‌های مختلف اخلاقی، اجتماعی، آموزشی و فقهی بررسی مجدد کنند و برای دست یافتن به مراد اصلی قرآن تلاش نمایند. روشی که نویسنده با اتکا بر روش سنتی شلایرماخر، استفاده عملی از آن را در آیات آفرینش به کار برده و به تفسیر و فهم قرآن پرداخته است و برخلاف برخی متفکران، تنها به بیان نظریه و کلیاتی در باب امکان به‌کارگیری روش هرمنوتیک بسنده نکرده است. برای نمونه کتابی همچون «هرمنوتیک، کتاب و سنت» اصل کلی هرمنوتیک یعنی «ابتناء تفسیر و فهم متون بر پیش فهم‌ها، علایق و انتظارات مفسر» را شامل تمام تفسیر مفسران دانسته است و تکامل دانش دین را منوط به بازنگری بر اساس تنقیح پیش فهم‌ها و علایق مفسران کرده است (مجتهدشبه‌ستری، ۱۳۸۴، ص. ۸-۹)، اما مؤلف آفرینش در قرآن به صورت عملی، با تمرکز بر موضوع آیات آفرینش تأثیر همین پیش فهم‌ها در تفسیر مفسران دو دوره را بررسی کرده و به بازنگری و تنقیح پرداخته است.

همچنین آنچه این اثر را برای خواننده متمایز می‌کند دستیابی به نتیجه‌ای است که بعد از مطالعه و بررسی لابه‌لای بحث‌های تفسیری به شیوه پیشنهادی مؤلف حاصل می‌شود. خوانندگانی که به گفته نویسنده به دلیل آشنایی با علوم جدید بر این باورند که میان این داده‌ها و آنچه در قرآن یافت می‌شود ناهماهنگی وجود دارد و از تفسیرهای گذشتگان درباره آفرینش راضی نمی‌شوند و همچنان مایلند مؤمن باقی بمانند و دغدغه هماهنگی ایمان خود با نظریه‌های علمی در باب آفرینش آسمان‌ها و زمین را دارند. آن نتیجه به دست آمده این است که با انتخاب این روش دیگر ایمان مؤمن، گره خورده به داده‌های علمی قرآنی نیست تا در صورت تردید در یکی از آنها در اصل ایمان توحیدی او تردیدی به وجود آید، بلکه با پذیرفتن این اصل که قرآن با تکیه بر معلومات عرفی و آشنای مخاطبان، به بیان مراد اصلی خود روی آورده است، به دنبال آن مراد می‌رود و شاید مهم‌ترین جنبه اعجاز قرآن، موفقیت در بیان نظری و تحقق عملی همان مراد باشد.

در این قسمت پیشنهادهای از نظر نگارنده برای رفع برخی کاستی‌ها به شرح ذیل ارائه می‌گردد:

چنانچه ترتیب فصول بر اساس سیر تاریخی تنظیم می‌شد به این صورت که بعد از بحث درباره کلیات ابتدا فصل «داستان آفرینش در فرهنگ مردم پیش از قرآن» می‌آمد سپس به معرفی آیات در باب پدیده‌های طبیعی پرداخته می‌شد و در پایان این دو فصل ضمن ارزیابی آنها به بیان تفاوت دو تصویر از آفرینش قبل و بعد از ظهور اسلام می‌پرداخت، در

این صورت اشکال انسجام بین فصول نیز برطرف می‌شد؛ چراکه ترتیب بقیه فصل‌های کتاب به همان شکل مناسب است و بر اساس این ترتیب به عنوان مثال در صفحه ۵۸ و ۱۲۳ دیگر نیاز به ذکر «تفصیل مطلب در فصل پنجم اشاره خواهد شد» نیست، زیرا پیشتر متذکر آن شده است.

از آنجا که ترتیب احتمالی نزول آیات در صفحات ۳۹-۴۶ مبنا در رجوع به آراء مفسران قدیم و جدید قرار گرفته و مؤلف بنا را بر حفظ این ترتیب گذاشته است، خواننده نیاز دارد برای ملاحظه تمام آیه یا طبقه‌ای که آیه مورد بحث در آن قرار دارد بارها به این صفحات باز گردد، بنابراین درج نمودار یا جدولی در قسمت پایانی این فصل شامل متن، آدرس و ترجمه آیه، مکی یا مدنی بودن آیه، همراه با تعیین طبقه‌های سه‌گانه مورد نظر نویسنده، همراهی با محتوای اثر را راحت‌تر می‌کند.

ارجاع به آدرس آیات هماهنگ نیست، برخی موارد در پاورقی و در موارد دیگر در متن کتاب بعد از متن آیه ذکر شده است، بنابراین یک دست شدن ارجاع در کل اثر ضروری به نظر می‌رسد. در ضمن در بعضی صفحات برای مثال صفحات ۱۰۶، ۱۱۸ و ۱۶۵، آیه‌ای به تناسب بحث درج شده است که جزء ۳۵ آیه مورد بررسی این مطالعه نیستند اما آدرس آنها ذکر نشده است. همچنین در مورد آوردن ترجمه آیات به یک نحو عمل نشده است؛ گاهی بعد از متن آیه و گاهی در پاورقی آورده شده یا ترجمه در متن کتاب آمده و آیه در پاورقی ذکر شده است.

تفکیک نمایه آثار و اشخاص از اصطلاحات می‌تواند استفاده از نمایه را تسهیل کند. ضمن آن که درج نمایه آیات با توجه به موضوع و استفاده زیاد از آیات در این مطالعه ضروری به نظر می‌رسد.

کتاب‌نامه

قرآن کریم.

ابوزید، نصر حامد. (۱۳۸۰). معنای متن. تهران: طرح نو.

احمدی، بابک. (۱۳۹۰). ساختار و تأویل متن. تهران: نشر مرکز.

داوودی، محمدرضا. «مزایای تفسیر موضوعی قرآن کریم»، معرفت، (۱۳۸۴) شماره ۹۶.

عدالت‌زاد، سعید. (۱۳۹۲). آفرینش در قرآن: بررسی هرمنوتیکی تفاسیر قدیم و جدید. تهران: نگاه معاصر.

حوریه شجاعی باغینی ۱۲۵

مجتهد شبستری، محمد. (۱۳۸۴). هرمنوتیک، کتاب و سنت. تهران: طرح نو.
واعظی، احمد. (۱۳۷۸). درآمدی بر هرمنوتیک. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و
اندیشه اسلامی.
واعظی، احمد. (۱۳۹۰). نظریه تفسیر متن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.